

**جواب نقدی بر مقاله "فاطمه زهر اسلام الله علیها
(شمه از ولادت تا شهادت)
نقد کننده: آقای ساحل زمانی**

بنام آفریدگار لوح و قلم

زمن بر صوفی و ملا سلامی.... که پیغام خدا گفتند ما را
ولی تأویل شان در حیرت انداخت... خدا و جبرئیل و مصطفی را
(علامه اقبال)

منت خدای عزوجل را که بر این بنده حقیر خود توفیق آنرا بخشید تا
راجع به فضائل بانوی نمونه اسلام، پاره تن رسول خدا (ص) حضرت
زهر (س) مقاله مختصری تحریر داشته و در ورای آن بمقام زن از
دیدگاه دین مقدس اسلام اشاره نمایم.

جای تأسف است که بعضی ها از روی بغض و کینه یا اغراض شخصی
که دارند، تحمل شنیدن و یا خواندن همچو مطالب را نداشته بدون تحقیق
و بررسی فوراً از خود عکس العمل نشان میدهند.

جناب آقای ساحل زمانی! بدبختی ما مسلمانان همین است، در حالیکه
پیروان مذاهب متعدد عیسوی بر همدیگر خود نمی نازند و نمی تازند. اگر
اختلافی هم دارند آنرا بهانه بدست غیر نمیدهند. یهودیها و مسیحی ها
هرگز در باره اصحاب پیامبران خویش (حواریون) بر سر هم نمی زنند.
مگر ما مسلمانان برای کوبیدن یکدیگر، باصطلاح در خمیر مومیالییم.
اگر یک برادر مسلمان بیکی از صحابه گرامی و یا اعضای خانواده
شریف پیامبر اکرم (ص) اظهار ارادت و اخلاص میکند، چرا ضیق
الصدر میشویم؟

باید گفت کسانی که شهادت و جرئت بیان حق را بصورت آشکارا و محض
رضای الهی داشته باشند، هیچگاه زیر پوشش نام مستعار برای آنکه کسی
ایشانرا نشناسد، مخفی نمی شوند. مردانه وار با چهره واقعی خود آنچه
دارند

ارائه می نمایند.

بسیار بهتر و بجا بود که آقای ساحل زمانی نیز ضمیمهء مطلب ارسالی
شان
به گفتمان، یک قطعه فوتوی خود را ارسال و قدری جناب شانرا معرفی
میکردند.
حالا بجواب انتقادات آقای زمانی بشرح ذیل میپردازم: (ومن الله توفیق).

1. آقای زمانی درست فرموده اند که در تاریخ تمدن بشریت و حتی در
عصر حاضر افراد زیادی وجود دارند که بخاطر منافع شخصی یا گروهی
خود هر مطلبی را که دل شان خواسته بقرآن مربوط میسازند (خلاصهء
یک قسمت گفتارشان میباشد).
آقای زمانی اگر اشتباه نکنم هر کس را در آئینهء خودنگاه میکنند و بانوشتهء
مغرضانه و نفاق افکنانهء خویش، آب در آسیاب دشمنان اسلام عزیز و
دشمنان وحدت هم میهنان مامیریزند، تا از این راه استفاده جوئی لازمه
و مورد نظرشانرا کرده باشند.

2. آقای زمانی بنده را به تهمت زدن به قرآن کریم متهم نموده اند که گفته
ام خداوند "فاطمهء زهرا" را در سورهء کوثر تمجید نموده است: و گفته
است

ای پیغمبر! مابه تو "کوثر" عطا نمودیم. یعنی فاطمه را بتو دادیم، فاطمه ای
که جهان را از فرزندان تو پر خواهد کرد.
در اینجا خدمت آقای زمانی بگویم آنچه را که من نوشته ام هیچ کدام آن
بزعم مبارک شما یک برداشت شخصی یا هوائی خودم نبوده است. همه را
از کتب نشر شده و معتبر اسلامی گرفته و مآخذ آنرا نیز تذکر داده ام. بنظر من
اگر شما نوشته های مرا با دقت، با چشم بصیرت و دور از هرگونه
تعصب و کینه توزی مطالعه میکردید، قبل از آنکه بنده را متهم بسازید،
بهتر نبود؟ که

اولاً مآخذ را بررسی نموده و اگر دریافته بودید که چیزی را از پیش خود
نوشته بودم، آنگاه بنده را متهم می نمودید. در غیر آن با این شهامت،
درایت، علمیت و جرئت اخلاقی که دارید!، ابتدا در صدد رد آن مآخذ قیام
نموده و از این نوشته دور از حقیقت، مغرضانه و نفاق افکنانه اجتناب
میورزیدید. این اتهام شما دور از روشهای معقول، معمول و غیر علمی و
دور از تقوا می باشد.

خداوند همه ما و شما را به راه راست هدایت بفرماید.

حالا توجه آقای زمانی را به منابع دیگر، منجمله منابع بسیار معتبر از علمای جید اهل سنت که راجع به "کوثر" مطالبی دارند، معطوف میدارم: ترجمهء سورهء مبارکهء "الکوثر" در تفسیر المیزان تألیف علامه سید محمد حسین طباطبائی قرار ذیل است:

بنام الله که به نیک و بد بخشنده و به نیکان مهربان است محققاً مابتنو خیر کثیر

(فاطمه علیها سلام) دادیم (1) پس به شکرانه اش برای پروردگارت نماز بخوان و دستها تا بنا گوش بالا ببر (2) و بدانکه محققاً شماتت گوی تو اجاق کور است (3). صفحهء 849 تفسیر مذکور.

فخر رازی مفسر بزرگ اهل سنت نیز در مورد یکی از معانی "کوثر" می گوید: "منظور از کوثر، فرزندان پیامبر (ص) است. زیرا این سوره در رد کسانی نازل شده است که پیامبر (ص) را به خاطر نداشتن فرزند مورد طعن و شماتت قرار میدادند. به این جهت معنای آیه این است که خداوند بتو فرزندان و نسلی عنایت می کند که در طول تاریخ جاودان خواهند ماند.

وقتی بتاریخ پر فراز و نشیب اسلام نگاه می کنیم، می بینیم افراد زیادی از نسل پیامبر (ص) به شهادت رسیده اند، اما جهان همچنان شاهد افزایش نسل پیامبر از طریق حضرت فاطمه است که تعداد از آنان از بزرگان و متفکرین جهان بشریت هستند همانند الباقروالصادق والکاظم والرضا (ع) و محمد نفس زکیه" (تفسیر کبیر، ج 32، ص 124).

آقای زمانی! اکثریت مفسرین اسلامی به این عقیده اند که "کوثر" خیر کثیر معنی میدهد و همچنان باتفاق آراء، کوثر را نهری در بهشت گفته اند. مفسر معروف روح المعانی که ضمن قبول همه احتمالات متعدد یک احتمال دیگر هم علاوه میکند و آن را اشاره به فاطمهء زهرا (س) میداند. زیرا از نسل فاطمه و علی (ع) امروز هر چه اولادهء رسول خدا (ص) هست در زمین است. مفسر روح المعانی هم از افتخارات تمام مسلمانان بوده و ایشان از برادران اهل سنت می باشند، نه از اهل تشیع! باز هم عرض شود که دانستن این تفسیر سواد عالی عربی میخواید (شما که ماشا الله سواد عالی عربی تان از تذکرتان در سورهء رحمان بجای الرحمن

و **عوض** کوثر بجای **حوض** کوثر، جای شک و تردید را باقی نمیگذارد) و از دست جلی های عالم نما مقدور نیست.

اگر این هم برای شما کفایت نمی کند، درباره کوثر به تفاسیر ذیل مراجعه و حل مطلب نمائید:

البيضاوی فی تفسیره ، عند تفسیر کلمة (الکوثر). انوار التنزیل و اسرار التأول ص 1156

شیخ زاده فی حاشیته علی تفسیر البيضاوی عند تفسیر سورة الكوثر. (ج 9 ص 341)، شهاب الدین فی حاشیته علی تفسیر البيضاوی (حاشیته الشهاب المسماة بـ (عناية القاضي): ص 403).

باز هم بخاطر قناعت آقای زمانی فرض کنیم که اینهمه تفاسیر دروغ و دور از حقیقت تحریر یافته اند (زیرا ایشان غیر از منابع دلخواه شان به منابع دیگر چندان اعتماد ندارند!!!)، میرویم بسراغ کلام پاک الهی که در همچو موارد چه فرموده است :

قرآن مجید به جز از موارد استثنائی صراحتاً از اشخاص نام نبرده است تا از حضرت فاطمه (س) نام ببرد. مثلاً در آیه 40 سوره توبه خداوند (ج) میفرماید: "اِذَا خَرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا اِنَّهُمْ فِي الْعَارِ" در اینجا مقصد از **ثانی** حضرت ابوبکر (رض) است که شرف معیت حضرت رسول خدا (ص) را داشت. آیا اگر کسی از نابینائی و قرآن شناسی، تعصب کور و مغرضانه، و حسد که گلویش را گرفته باشد، از معیت حضرت ابوبکر (رض) منکر شود و بگوید در قرآن نام حضرت ابوبکر صراحت ندارد، پس **ثانی** ایشان نیستند. آیا این از دانش و بینائی او به قرآن است؟! یقیناً که جواب منفی است.

از طرف دیگر **اسماء منافقین** در قرآن نیستند، پس ما از تعبیر آنها منکر شویم؟؟؟ شاهد دیگر آیه مبارکه **افک** (آیات مبارکه 11 الی 16 سوره النور) دال بر پاکدامنی **ام المؤمنین حضرت عایشه** (رض) میباشد، در حالیکه اسم وی در قرآن مجید ذکر نشده است.

شده میتواند بگوئیم که این آیه در باره **حضرت عایشه** (رض) نیست؟؟؟ در آیه 175 سوره مبارکه الاعراف خداوند کریم از کمراه شدن عابد بنی اسرائیل (بلعم باعور) اشاره می فرماید. مگر نام وی تذکر داده نشده است. در قرآن کریم همچو مثال ها به وفرت وجود دارد.

3. آقای زمانی آنچه را در قسمت ازدواج حضرت زهرا (س) تحریر داشته ام، باز هم بدون توجه به مآخذ ارائه شده، همه را نظرات شخصی بنده و دور از واقعیت پنداشته اند.

ایشان اگر قبول زحمت فرموده کتاب "امام علی بن ابی طالب، تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، تألیف عالم و محقق مصری، عبدالفتاح عبدالمقصود" چاپ مصر و بیروت، قسمت "علی با فاطمه پیوند زناشویی می بندد" ص 122-129 (ترجمه سید محمود طالقانی) را مطالعه نمایند، آنگاه خواهند دانست که حضرات ابوبکر و عمر (رض) در جواب خواستگاری حضرت زهرا (س) از پیامبر گرامی اسلام (ص) چه جوابی گرفته اند. نظر به نوشته محقق اهل سنت، رسول خدا (ص) در برابر آنها سکوت نکرده و گفت: "بنگرم تا تقدیر برایش چه آرد!". "چه شد محمد (ص) با آن طبع ملایم و روش نرمی که نسبت بدان دو داشت جز باین سخن مختصر که عدم پذیرش و رد صریح را می رساند سخنی بیان نکرد و در غلاف عبارت نرم جواب قاطعی بدانان گفت؟"

در جای دیگری آقای زمانی از کتاب "قصه هجرت" در باره ازدواج حضرت زهرا نقل قول کرده و میگوید:

"ابن عباس میگوید: هنگامی که رسول خدا (ص) فاطمه را به علی تزویج کرد، فاطمه گفت: یا رسول الله! مرا به مرد فقیری که از مال دنیا چیزی ندارد تزویج کردی.

در روایت دیگری آمده است: هنگامیکه علی (ع) از پیامبر، فاطمه (س) را خواستگاری کرد، رسول خدا به زهرا (س) فرمود: علی تو را خواستگاری کرده است. فاطمه سکوت کرد. در نقلی دیگری آمده است که رسول خدا فرمود: پسر عموی تو علی از تو خواستگاری کرد، چه میگویی؟ زهرا (ع) گریست و سپس گفت: ای پدر! مثل اینکه مرا برای مرد تهیدست از قریش نخیره کرده ای. (قصه هجرت، صفحه 271)"

در این باره کتاب عبدالفتاح عبدالمقصود که با تأیید جامعه الازهر مصر در مصر و بیروت به نشر رسیده است چه میگوید.

.... "با همین سادگی خواستگاری علی انجام یافت. ازدواجش نیز که پر ارزش ترین آرزوی زندگیش بود به همان گونه یا ساده تر انجام گرفت. پس از آنکه این پیشنهاد را فاطمه نیز پذیرفت، جوان زرهی را که از غنیمت بدر به دستش آمده بود به بازار مدینه برد و آن را به چند درهمی فروخت و به عنوان مهر دختر پیغمبر به آنحضرت تقدیم داشت، پیغمبر

اکرم بلال را فرستاد تا با قسمتی از آن عطری خرید و به ام سلمه دستور فرمود تا لوازم ساده عروسی را فراهم سازد.

باید متذکر شد که هیچ عقل سلیم آنچه را از کتاب "قصه هجرت" آورده اند قبول نمی نماید. زیرا اولاً اعتبار آن کتاب با مقایسه کتاب عبدالفتاح عبدالمقصود جای بسیار و بسیار تأمل است. ثانیاً حضرت علی و حضرت زهرا (ع) هر دو پرورده و تربیت یافته شخص حضرت رسول خدا (ص) بودند و قطعاً قابل باور نیست که حضرت زهرا در مقابل رسول خدا پدر بزرگوارش آنهمه بی احترامی را روا دارد. و هکذا حضرت زهرا و حضرت علی (ع) هر کدام یکدیگر را خوب میشناختند. حضرت زهرا از جانبازی های حضرت علی در راه خدا، در جنگ های با کفار و در خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر گرامی (ص) در شب هجرت آنحضرت از مکه بطرف مدینه که جان خود را در معرض خطر انداخت، کاملاً با خبر بود. از جانب دیگر آندو از نگاه سن آنقدر تفاوت زیاد نداشتند که سبب نارضائیتی حضرت زهرا (س) گردد.

سپس آقای زمانی با ادامه همین قسمت دو مطلب کاملاً ضد و نقیض را تذکر میدهند: اول اینکه **تهی دستی حضرت علی (ع)** را رد کرده و میگویند: "تنها انگشتی را که حضرت علی به سائلی هدیه (خیرات) داد، قیمت آن معادل باخراج یکساله کشور شام بود." و از طرف دیگر میگویند که **حضرت زهرا به پدر گفت: "مثل اینکه مرا برای مردی تهی دست از قریش ذخیره کرده ای"!!!**

خداوند ما مسلمانان را هدایت فرموده و حافظه ما را بهتر سازد. البته ما از دارائی های حضرت علی (ع) که آنهم همه را در راه خدا برای فقرا و مستمندان انفاق میکردند، انکار نداریم. مگر باید تفکیک زمان خواستگاری از حضرت فاطمه و وقت دارا بودنش را از هم بتوانیم. بطور مثال آقای زمانی از وصیت حضرت علی پس از صفین درباره دارائیهای شان که فرمان داده اند، مینویسد که حسن ابن علی و اگر برای او حادثه پیش آید و حسین زنده باشد با دارائی های آنحضرت چه کنند.

من از آقای زمانی می پرسم که این وصیت نامه چند سال بعد از زمان خواستگاری علی (ع) از زهرا (س) صورت گرفته است؟

آقای زمانی! لطفاً کتاب **الصواعق المحرقة اثر ابن حجر الهیتمی المکی** متوفای سنه 974 هـ ق که عبدالوهاب عبدالطیف استاد علوم اسلامی در

جامعه‌الازهر مصر گرد آورده را نیز بخوانید تا صحت ازدواج فاطمه (س) با علی (ع) بفرمان خداوند برایتان معلوم شود. در این باره انس ابن مالک میگوید: **بَيْنَمَا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: "إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَزُوجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ... یعنی در محضر رسول الله (ص) بودم که فرمودند خداوند بمن امر کرد تا فاطمه را با علی تزویج کنم.**

آقای زمانی! کتاب فوق نیز در مصر و بیروت چاپ شده و مؤلف محترم و گرد آورنده آن از دانشمندان منصف و غیر متعصب برادران اهل سنت میباشد. لطفاً از این کتاب برای مزید معلومات خود در تحقیقات وقایع تاریخ اسلام استفاده نموده و در حال بی خبری صاحب نظر نشوید.

باز هم برای ازدیاد هرچه بیشتر معلومات شما اشاره میدارم که در همین کتاب الصواعق المحرقة در باب فضیلت خانواده پیامبر گرامی اسلام (ص) بیشتر از صدها حدیث از روایات و تابعین و تبع تابعین پیشوای اسلام ذکر گردیده که در اینجا یکی از آنها را بطور نمونه بعرض تان میرسانم.

آنحضرت می فرمایند: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، مَا إِنْ تَمَسَكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي... یعنی من شما را (امت) ترک میکنم در حالیکه دو چیزی برای تان میگذارم تا گمراه نشوید، کتاب خدا و خانواده من.**

باز هم همین الصواعق المحرقة مینویسد: مقصد از خانواده پیامبر (ص) **علی، فاطمه، حسن و حسین** است نه کسان دیگر.

جناب آقای زمانی! مگرده ها بار حضرت **عمر فاروق (رض)** نگفته است: **"لَوْ لَأَعْلَى لَهْلَكَ عُمَرُ"** یعنی اگر علی نبود عمر هلاک میشد. تقدیر و سیاق این لام در کلمه **لَهْلَكَ** خاصیت تأکید و اجتناب نا پذیری را در لغت عرب دارد. شما اگر بفرمایشات عدیده حضرت **عمر فاروق (رض)** معلومات داشته باشید، آنگاه مقام **علی و فاطمه (ع)** رامی شناسید. بیایید اعتقادات خود را مثل میراث پدران بخود نگیریم. بهتر است خود ما تحقیق، تتبع و تأمل نمائیم تا در رستا خیز، شرمسار و خجل نگردیم.

4. آقای زمانی! اشاره به آیات مبارکه 6، 32-33 سوره احزاب نموده و مینویسند: **"...وزنان پیامبر مادران مؤمنان هستند"**. "ای زنان پیامبر شما مانند دیگران نیستید... 33.. در خانه های تان بنشینید و آرام گیرید....

خداوند چنین می‌خواهد که رجس و هر آایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک گرداند". (خوش بحال کسانی که صحابه بودند ولی پاس حرمت زوجه پیامبر (ص) را نکرده و ایشان را به اشتر سرخ مو سوار کردند و شهر بشهر رده به ده برای اغراض سیاسی و بقدرت رسیدن خود حمل کردند !!!).

در اینجا باید بگویم هیچ مسلمانی منکر آن نمی باشد که "زنان پیامبر مادران مؤمنان هستند" و همچنان از آنکه نظر به آیه مبارکهء تطهیر خداوند اراده نموده است تا از **اهل بیت پیغمبر** رجس و پلیدی را دور نماید، کسی انکار نمیتواند بکند. مگر نظر به **نصّ قرآن کریم** تنها کسانی که در میان امت اسلامی متصف به صفت "مطهر" شده اند، **اهل بیت پیامبر (ص)** هستند، زیرا خدای متعال درباره آنان میفرماید:

"... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ بَيْتٍ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا"

(احزاب، 33). یعنی "خداوند اراده نموده که از شما اهل بیت، رجس و پلیدی را دور نموده و شمارا پاک و مطهر بگرداند".

حالا ببینیم که مراد از **اهل بیت** چه کسانی می باشند؟

"ابن عبدالبر شافعی" می گوید: وقتی آیه مبارکهء تطهیر نازل شد، پیامبر (ص)، فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام را نزد خود خواند و به خدای متعال عرض کرد: "**اللهم هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً**" ، خداوند! اینان اهل بیت منند، پس از آنان رجس را دور و آنان را پاک و مطهر بگردان". (الاستیعاب بهامش الاصابه، ج 3، ص 37). "حافظ حسکانی نیشاپوری" در کتاب "شواهد التنزیل لقواعد التفضیل"، بیش از دو صد طریق و روایت ذکر می کند که آیه مبارکه فقط شامل وجود مبارک رسول خدا (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) می شود و بس.

"ابن حجر" در "صواعق" می گوید: اکثر مفسرین بر آنند که این آیه در شأن علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) نازل شده است، چون ضمیر "عنکم" مذکر است. (الصواعق المحرقة، ط مصر، ص 141).

"مسلم" در باب فضایل حسنین (ع) از صفیه بنت شیبه از ام المؤمنین عایشه (رض) روایت می کند که گفت: "یک روز پیامبر (ص) برخاست، در حالی که آنحضرت کسا و عبایی بافته شده از پشم سیاه بر دوش مبارک داشت، پس حسن بن علی بر آنحضرت وارد شد، حضرت او را زیر عبا برد، بعد

حسین وارد شد و با آنحضرت زیر عبا رفت، آنگاه فاطمه بروی وارد گردید، حضرت او را نیز زیر عبا برد و سپس علی (ع) آمد، حضرت او را نیز زیر عبا برد و فرمود: خداوند اراده فرموده است که تنها از شما اهل بیت، رجس و پلیدی را دور گرداند و شمارا پاک و مطهر نماید". (صحیح مسلم، شرح نووی، ج 15، ص 194). تذکر:- نسبت طولانی شدن از تحریر متن عربی صرف نظر شد.

این حدیث را حاکم، بیهقی و ابن جریر نیز نقل میکنند (مستدرک الصحیحین، ج 3، ص 147. سنن ج 2، ص 149. تفسیر ابن جریر، ج 22، ص 5). و حاکم بعد از نقل حدیث میگوید: این حدیث به شرط بخاری و مسلم صحیح است.

سیوطی در الدر المنثور در ذیل آیهء مبارکهء تطهیر روایت فوق را ذکر نموده می گوید: ابن ابی شیبہ و احمد و ابی حاتم، نیز این روایت را نقل نموده اند. (الدر المنثور، ج 5، ص 198).

"ترمذی" از عمر بن ابی سلمه، ربیب رسول خدا (ص) و به سند دیگر از شهر بن حوشب از ام سلمه نقل می کند که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر اکرم (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین را نزد خود خوانده، آنان را باکسا (عبا) پوشانید. بعد خطاب به خدای متعال عرض کرد: "پروردگارا! ایشان اهل بیت و خواص من هستند پس رجس را از آنان دور کرده و پاک و مطهر شان بگردان".

"حاکم" به سندش از ام سلمه زوجه پیامبر (ص) روایت می کند که گفت: این آیه در خانهء من نازل شد، پس پیامبر (ص) کسی را فرستاد دنبال علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)، وقتی همه جمع شدند، خطاب به خداوند عرض کرد: "خدایا! اینها اهل بیت من هستند"، ام سلمه می گوید: عرض کردم، آیا من از اهل بیت نیستم، پیامبر (ص) فرمود: تو انسان خوبی هستی و عاقبت تو نیکوست، اما ایشان اهل بیت من هستند (مستدرک الصحیحین، ج 2، ص 416). حاکم بعد از نقل این حدیث می گوید: این حدیث به شرط بخاری صحیح است.

"سیوطی" نیز در ذیل آیهء مبارکهء تطهیر روایت مشابه فوق را نقل می نماید

(الدر المنثور ج 5، ص 198).

"هیثمی" از ابی برزه نقل می کند که گفت: هفده ماه با پیامبر (ص) نماز خواندم، هر وقت که آنحضرت از منزل خارج می شد، می آمد پشت در منزل فاطمه (س) و می فرمود: "الصلاة علیکم انما یریدالله لیذهب...." (مجمع الزوائد، ج 9، ص 119. ضمناً در صفحات 121، 206 و 207 هم مطالبی که دال بر این مدعاست نقل می کند).

از جمله محدثین و مؤلفینی که این احادیث را نقل کرده اند، میتوان از احمد بن حنبل در مسند، خطیب بغدادی در تاریخ بغداد، ابن عساکر شافعی در تاریخ دمشق، ابن صباغ مالکی در الفصول المهمة، ذهبی در میزان الاعتدال و غیره رانام برد.

همچنان اختصاص این آیهء مبارکه به پنج تن آل عبا یعنی پیامبر (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع)، در کتاب های الریاض النضرة، مسند ابی داوود طیالسی، اسدالغابة، مشکل الآثار، شواهدالتنزیل، ینابیع المودة، فرائد المسطین، مناقب خوارزمی ذکر شده است.

باز هم نسبت طولانی شدن مطلب از ذکر جلد و صفحات کتب فوق صرف نظر شد.

آقای زمانی! قسمی که در بالا اشاره شد تذکری راجع به زوجات مبارک رسول الله (ص) با ارتباط آیات شریفهء احزاب داده اید. لطفاً مراجعه کنید به تفسیر سیوطی که **حضرت ابو بکر (رض)** با **حضرت عایشه (رض)** و **حضرت عمر (رض)** با **حفصه** دخترش در رابط با آیات مذکور و پیا مبر اسلام چه گفتند. از آیهء 9 به بعد را مطالعه فرمائید.

5. آقای زمانی می نویسند: "قسمی که ده ها کتاب دربارهء تاریخ اسلام نوشته شده، تاریخ وفات فاطمه زهرا را هفتاد و پنج روز بعد از رحلت پیا مبر ذکر نموده اند. حالا نمی دانم که هدف آقای حیدری در این نوشتهءشان که "که فاطمه (س) به زندگی ساده ولی در نقش یک مربی بزرگ ادامه میداد" چه میباشد؟؟؟"

باید خدمت آقای زمانی گفت، پاراگرافی که به آن اشاره نموده اید، به زبان بسیار واضح، ساده و عام فهم دری تحریر یافته است و از تاریخ وفات حضرت زهرا (س) نیز نظر به چندین روایت تذکر داده شده و به معتبرترین آن نیز اشاره گردیده است.

اگر آقای زمانی تسلسل جملات، مبتدا و خبر جملات را درک کرده باشند، زندگی ساده و در نقش یک مربی بزرگ بودن حضرت زهرا (س) را قبل

از رحلت پدر بزرگوارشان می رساند و جای بسیار تأسف و عدم توجه شما است که این هفتادوپنج روز را به آن ارتباط داده اید، که کاملاً دور از توقع، بیمورد و خنده آور می باشد.

اگر واقعاً می خواهید راجع به زندگانی حضرت زهرا (س) معلومات حاصل نمائید؟! بهتر است بر علاوه ده ها کتاب بی نام و نشان که از آنها اشاره نموده اید (چون ما شالله اهل مطالعه می باشیم)، لطفاً قبول زحمت فرموده و کتابهای "فاطمه زهرا علیها سلام، بانوی نمونه اسلام" نوشته ابراهیم امینی، "سیری کوتاه در زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)"، نوشته محمد تقی سجادی، جلد اول تفسیر "الدر المنثور فی تفسیر المأثور"، تألیف امام عبد الرحمن جلالدین سیوطی، در باره قبول توبه حضرت آدم علیه السلام، "زندگانی حضرت زهرا (س)" تألیف سید جعفر شهیدی چاپ نوزدهم، سال 1373، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، "در مکتب فاطمه (س)" تألیف دکتر علی قائمی، انتشارات امیری، سال 1371، "فاطمه زهرا (ع) در پرتو خورشید محمدی"، در دو جلد بالغ بر هزار صفحه، تألیف عبدالفتاح عبدالمقصود، ترجمه دکتر سید حمید طبیبیان، چاپ تهران، سال 1381 را نیز مطالعه نماید تا به فضائل و مقام حضرت فاطمه زهرا (ع) پی ببرید.

حضرت عایشه (رض) راجع به فضیلت و عظمت دختر رسول خدا (ص) می فرماید: "ما رأیت افضل من فاطمة الا اباها" یعنی جز پیامبر (ص) هیچکس را برتر از فاطمه (ع) ندیدم. (انتظار عصر حاضر... ص 34).
6. آقای زمانی! شما که با این نوشته متعصبانه، مغرضانه و بی خبرانه تان از تاریخ اسلام، کوشیده اید فضایل مولای متقیان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) را کمرنگ جلوه دهید، در اشتباه محض غرق هستید. اگر حوصله این مضمون اجازه میداد، بالغ بر صد حدیث که تمامی آنها در کتب معتبر اهل سنت آمده است، برای روشن سازی ذهن مبارکتان ارائه میکردم. حالا فقط به ارائه چند حدیث اکتفا می نمایم.
"عمر بن خطاب گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: فضیلتی همانند فضیلت علی نتوان یافت، که یارانش را به هدایت رهنمون می سازد و از لغزش در امان میدارد". (الریاض النضره ج 2 ص 214) "در مستدرک بیان میدارد که به تواتر نقل شده فاطمه بنت اسد در درون کعبه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب را به دنیا آورد". (مستدرک الصحیحین ج 3 ص 483).

"از عمر نقل شده که می گفت: شما هرگز به **علی** نمی رسید زیرا من از **پیامبر** صلوات الله و سلامه علیه شنیدم: سه فضیلت در مورد **علی** می گفت که اگر یکی از آنها برای من می بود، از آنچه که خورشید بر آن می تابد بر تری داشت. روزی نزد **پیامبر** صلوات الله و سلامه علیه بودم و **ابوبکر** و **ابوعبید** جراح و جمعی از صحابه نیز حضور داشتند، حضرت بر شانه **علی** علیه السلام زدند و فرمودند: تو اولین فرد هستی که اسلام آورده ای، اولین فردی هستی که ایمان آورده ای، و تو نسبت به من همانند هارون هستی نسبت به موسی". (کنز العمال ج 6 ص 395)

"از **عمر بن خطاب** نقل شده که می گفت: گواهی میدهم بر رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه که شنیدم می فرمود: اگر هفت آسمان را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان **علی** را در کفه دیگر، همانا ایمان **علی** بر آن برتری خواهد داشت". (الریاض النضرة ج 2 ص 226)

"در این زمینه **شافعی رضی الله عنه** می سراید: ای اهل بیت رسول خدا دوستی شما بر همه واجب الهی است همانگونه که در قرآن نازل شده، و در بزرگی منزلت شما همینقدر کافی است که اگر کسی بر شما درود نفرستد نمازش قبول نخواهد شد". (الصواعق المحرقة ص 88)

"ابن عباس گفت: رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه فرمود: ستارگان ایمنی بخش ساکنان زمینند که ایشان راهدایت و از غرق شدن می رهانند و اهل بیت من ایمنی بخش امت من هستند که آنان را از اختلاف رهائی می بخشند، اگر گروهی با ایشان اختلاف نماید، آنان از حزب ابلیس خواهند بود". (مستدرک الصحیحین ج 3 ص 149)

"جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه فرمود: دوست ندارد ما اهل بیت را مگر مؤمن تقوا پیشه، و دشمن ندارد ما را جز منافق شقاوتمند". (ذخائر العقبی للمحب الطبری ص 18)

"در مستدرک روایت شده: رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه فرمود: در باره **علی** سه ویژگی برای من وحی شده است: او سرور مسلمانان، پیشوای پرهیز گاران، و مقتدای برگزیدگان است". (مستدرک الصحیحین ج 3 ص 137)

"ابوهریره گفت: **عمر بن خطاب** گفت: به **علی بن ابیطالب** سه خصلت داده شده که اگر هر کدام برای من بود آنرا به تنهایی از مال و ثروت بسیار بیشتر دوست می داشتم، سؤال شد آنها کدام است؟ گفت: ازدواج او با فاطمه دختر رسول خدا صلوات الله وسلامه علیه، سکنی گزیدن او در مسجد به همراه رسول خدا صلوات الله وسلامه علیه به گونه که مجاز نمود برای او در رفت و آمد به مسجد آنچه را بر خودش مجاز بود، و اعطاء پرچم نبرد به وی در روز خیبر". (مستدرک الصحیحین ج 3 ص 125)

"ابوذر گفت: ما منافقین را نمی شناختیم مگر از راه تکذیبشان خدا و رسول را، تخلف از نمازها، و بغض و کینه ایشان نسبت به **علی بن ابیطالب** علیه السلام" (مستدرک الصحیحین ج 3 ص 129)

چراغی را که ایزد برفروزد
هر آنکس پف کند ریشش بسوزد

آنهائیکه برای اهداف سیاسی خود برای رسیدن به قدرت دوروزه، هشتاد سال تمام خلیفهء مسلمین، مولای متقیان، دروازه علم پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی بن ابیطالب را بالای منابر و در خطبه های نمازهای جمعه لعن کردند، جز خسران دنیا و آخرت چیزی حاصل شان نشد که حالا حاصل پیروان یامحبان آنها گردد.

آیا قبر مطهر حضرت علی (ع) چه در نجف اشرف چه در مزار شریف همه ساله زیارتگاه ملیونها مسلمان از سراسر جهان نمی باشد؟ از برکت زیارت قبرشان صدها بیمار شفا نیافته و نابینایان، بینا نگردیده اند؟ فرمانی راکه هزار و چهارصد سال قبل برای مالک اشتر والی مصر صادر نموده بودند، امروز زینت بخش دفتر ملل متحد در نیویارک امریکا نمی باشد؟

7. آقای زمانی مینویسند که: آقای حیدری چنین ادامه میدهند.
"خانهء فاطمه و علی علیهما سلام یگانه خانهء بود که هم زن و هم شوهر از گناه و انحرافات معصوم و به فضائل و کمالات انسانیت آراسته بودند. این خانه کانون صفا و صمیمیت بود. آن دو همسر نمونهء اسلام، هریک به وظائف شان عمل میکردند و نمونه و الگواز اخلاق عالی دین مقدس اسلام بودند". ایشان علاوه می دارند: "آقای حیدری خانه علی و فاطمه را برتر از خانه خود پیامبر اسلام میدانند."

از آقای زمانی محترمانه سوال می‌نمایم که در کدام جمله بنده چنین مطلبی را خوانده‌اید زیرا در هیچ جای نوشته‌های فوق‌خانه فاطمه و علی (ع)، با خانه پیامبر اسلام (ص) مقایسه نگردیده است، زیرا به باور ما ایشان اهل عین‌خانه می‌باشند چون شامل اهل بیت می‌باشند.

حالا توجه برادر گرامی آقای زمانی را در مورد **فضیلت خانه علی و فاطمه (ع)**، به حدیث ذیل مبذول میدارم:

از سیوطی در تفسیر الدر المنثور روایت شده: "**رسول خدا صلوات الله و سلامه علیه** این آیه را (در خانه‌های که خدا فرمان داده است که گرامی داشته و نامش در آنها یاد شود) *سوره نور آیه 36* تلاوت فرمود، شخصی سوال کرد: ای رسول خدا این خانه‌ها کدامین خانه‌اند؟ حضرت فرمود: **خانه‌های پیامبران الهی**، آنگاه ابوبکر برخواست و سوال کرد: آیا این خانه (و اشاره کرد به خانه علی و فاطمه) جزء آن خانه‌هاست؟ حضرت فرمود: **آری و از بهترین و با فضیلت‌ترین آنها.**

8. یک اصل بسیار مهم دیگر راکه به سمع آقای زمانی برسانم آنست که در دین مقدس اسلام یگانه معیار برتری انسان تقوای وی می‌باشد و بس، نه خسربودن، نه داماد بودن، نه همسر بودن و نه اولاد، خواه‌ریا برادر بودن و یا صاحبی بودن پیا مبر گرامی اسلام معیار فضیلت کسی شده میتواند. خداوند عظیم در قرآن کریم می‌فرماید: "**ان اکرمکم عندالله اتقا کم**" یعنی گرامی‌ترین شما در نزد خدا، متقی‌ترین شماست. از همین سبب است که پیامبر گرامی اسلام به همین دختر محبوبش، حضرت زهرا (س) فرموده: **دخترم در پیشگاه خداوند (ج) خودت برای خودکار کن بدون عمل صالح پدری من بدردت نمیخورد!!** اسلام کیش شخصیت، زر اندوزی و زورگویی نیست. دین شایسته سالاری و تقواست! نه نزدیکی و دوری و یا خویشاوندی!

9. در قسمت اخیر مقاله پر محتوای خود، آقای زمانی از دشمنان حضرت زهرا (س)، از آنانی که بی احترامی و ستم را در حق شان روا داشتند، از علت خانه نشینی حضرت علی (ع) و از دست دادن نخلستان فدک، معلومات و وضاحت خواسته‌اند. با این همه مطالعات و موشگافی‌های که دارند!!! گمان نمی‌رود که ایشان جواب سوالهای خویش را ندانند. مگر هدف جناب شان جز تفرقه افگنی چیز دیگری نمی‌باشد. ما بخاطر اخوت اسلامی و افغانی و اوضاع نا بسامان

ملل بلا کشیده مسلمان ها از جوابی که باعث نفاق شده و هیچ دردی را هم دوا نمی کند پرهیز میداریم.

باز هم اگر خود شان ویاکسانی دیگر مایل به دریافت جوابهای سوالهای فوق باشند، میتوانند از منابع ذیل حل مطلب نمایند:

اول، کتاب امام علی بن ابی طالب، تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، تألیف عبدالفتاح عبدالمقصود مصری، چاپ بیروت، در زبان عربی جلد اول، ص 186-191، ترجمه فارسی توسط سید محمود طالقانی چاپ تهران، جلد اول ص 321-328 .

دوم، "المراجعات" اثر شیخ سلیم بشری رئیس جامعه الازهر مصر و سید عبدالحسین شرف الدین که بطور پرسش و پاسخ تحریر و تهیه شده است. سوم، جلوهء تاریخ در نهج البلاغه از ابن ابی الحدید معتزلی.

در اخیر از آقای زمانی بسیا ر محترمانه پرسان میدارم که آیا کسی میتواند منکر موجودیت آفتاب عالم تاب گردد؟ یقین کامل دارم که ایشان با من همنوا و جواب شان منفی خواهد بود. شاید ایشان علاوه نمایند که اگر نابینای بیچاره نور آفتاب را نمی بیند و یا خفاشان توان دید آنرا ندارند، دلالت بر عدم موجودیت آفتاب شده نمی تواند.

والسلام

آرزومند توفیقات هر چه بیشترتان در راه خدمت به دین مقدس اسلام.
برادرتان

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

سابق استاد پوهنتون کابل و انستیتوت پولی تخنیک کابل

30-08-2008، سدنی